

بررسی و واکاوی اولین زیارت مطلقه امام حسین (علیه السلام) - جمال فرزند وحی، مجتبی زینی‌وند
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سَفینه
سال یازدهم، شماره ۴۴ «ویژه حدیث»، پاییز ۱۳۹۳، ص ۶۹ - ۹۳

بررسی و واکاوی اولین زیارت مطلقه امام حسین (علیه السلام)

جمال فرزندوحی *

مجتبی زینی‌وند **

چکیده: زیارت مطلقه امام حسین (علیه السلام) حدیثی صحیح و معتبر است که از زمان امام صادق (علیه السلام) روایت شده است. در این گفتار، ابتدا سند و اعتبار آن اثبات می‌شود، آنگاه نگارنده به بررسی محتوای آن می‌پردازد که جمعاً چهل پیام اصلی در بر دارد: چهار سلام، شش شهادت، چهار اقرار، سه درخواست، چهارده منزلت اهل بیت، پنج نفرین، دو حمد، یک سلام و یک برائت. نگارنده در هر بخش، در مورد پیامهای آن تحقیق کرده و معانی آنها را بیان می‌دارد. یعنی بررسی سندی و دلالتی این زیارتنامه معتبر را ارائه می‌کند.

کلیدواژه‌ها: امام حسین (علیه السلام) - زیارت / زیارت امام حسین (علیه السلام) - بررسی سندی / زیارت امام حسین (علیه السلام) - بررسی دلالتی.

farzandwahy@yahoo.com

jahad4@chmail.ir

*. استادیار دانشگاه رازی.

**. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام.

یکی از زیارت‌مطلقه حضرت امام حسین (علیه السلام) که مفید به زمان و مکان خاصی نیست؛ زیارتی است که ابن قولویه در باب ۷۹ کامل الزیاره آن را به عنوان نخستین زیارت از بین پانزده زیارتی که نقل نموده، آورده است (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ۱۹۵). شیخ عباس قمی نیز در مفاتیح الجنان آن را به عنوان نخستین زیارت، از زیارتهای هفت گانه مطلقه برای حضرت امام حسین (علیه السلام) نقل می‌نماید (قمی، ۱۳۸۵ ش، ۵۱۳). این زیارت همواره مورد توجه بزرگان بوده و هست؛ به گونه‌ای که علامه امینی (ره) در تعلیقات خود بر کامل الزیارات بر اهمیت آن تأکید می‌ورزند (ابن قولویه، ۱۹۵). این زیارت در کتابهای الکافی، من لا یحضره الفقیه، التهذیب، الوافی، وسایل الشیعه و بحارالانوار دیده می‌شود. این زیارت دارای چهار سلام^۱، شش شهادت^۲، چهار اقرار^۳، سه درخواست^۴ چهارده شأن و منزلت برای اهل بیت^۵، پنج لعنت^۶، دو حمد^۷، یک سلام^۸ و یک برائت^۹ جمعاً در ۴۰ فقره طبق ضبط ضبط محدث قمی است.

۱- واژه‌شناسی

زیارت: قَصَدْتُ زَوْرَهُ مثل عبارت وَجَّهْتُه یعنی با او رو برو شدیم. چهره به چهره اصطلاحی است که در زبان فارسی و برخورد و دیدار حضوری به کار می‌رود. رجل زائر^{۱۰}

۱. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ اللَّهِ وَابْنَ قَتِيلِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَثَرَ اللَّهِ الْمُؤْتَوِّرَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.
۲. أَشْهَدُ أَنْ دَمَكَ سَكَنَ فِي الْخُلْدِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ وَابْنُ حُجَّتِهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَتِيلُ اللَّهِ وَابْنُ قَتِيلِهِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ وَ نَصَحْتَ.
۳. أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَ مَوْلَاكَ وَ فِي طَاعَتِكَ وَ الْوَافِدُ إِلَيْكَ.
۴. اتَّيَسَّرَ كَمَالُ الْمَنْزِلَةِ عِنْدَ اللَّهِ وَ قَبَاتِ الْقَدَمِ فِي الْهَجْرَةِ إِلَيْكَ وَ السَّبِيلُ الَّذِي لَا يَخْتَلِجُ دُونَكَ مِنَ الدَّخُولِ فِي كِفَالَتِكَ الَّتِي أَمَرْتُ بِهَا.
۵. مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِدَأْ بِكُمْ، بِكُمْ بَيِّنُ اللَّهِ الْكَذِبَ وَ بِكُمْ يُبَاعِدُ اللَّهُ الزَّمَانَ الْكَلْبَ وَ بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتَمُ اللَّهُ ... وَ بِكُمْ تُسَبِّحُ الْأَرْضُ.
۶. لَعْنَتْ أُمَّةٌ قَتَلَتْكُمْ وَ أُمَّةٌ خَالَفَتْكُمْ وَ أُمَّةٌ جَدَّتْ وَلَايَتَكُمْ وَ أُمَّةٌ ظَاهَرَتْ عَلَيْكُمْ وَ أُمَّةٌ شَهِدَتْ وَ لَمْ تُسْتَشْهِدْ.
۷. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ النَّارَ مَنَاقِبَهُمْ وَ بَسَّ وَرْدَ الْوَارِدِينَ وَ بَسَّ الْوَرْدَ الْمَوْرُودَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.
۸. وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ.
۹. أَنَا إِلَى اللَّهِ مِمَّنْ خَالَفَكَ بَرِيءٌ.

و قوم زورُ مرد و قومی زیارت کننده مثل سافر و سفر. هر گاه گفته شود؛ رجل زورُ مصدری است به صورت صفت مثل ضیف یعنی مهمان. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ۱۶۲) زُرْتُ فلانا؛ تَلَقَّيْتُهُ (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۴، ۳۶۴). زیارت در لغت عبارت از تمایل و میل کردن است؛ خواه از دور باشد یا از نزدیک و خواه با گرایش قلبی و قصد همراه باشد یا نه. در اصطلاح دینی زیارت تمایلی است که افزون بر میل و حرکت حسّی، قلب هم گرایش جدی پیدا کرده و نسبت به مزور با اکرام و تعظیم قلبی و انس روحی همراه باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۲۰)

۲- بررسی سند زیارت مطلقه

سند این زیارت در کتب روایی به شرح ذیل می‌باشد:

- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ ثَوْبَرٍ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ۵۷۵)

- حسن بن الراشد مولی بنی العباس (امامی ثقه علی التحقیق) عن الحسين بن ثوير ابن ابي

فاخته (امامی ثقه) عن الصادق (ع) (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ۵۹۴)

- مُحَمَّدٌ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلِينِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ ثَوْبَرٍ (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ۵۴)

- العدة عن أحمد عن القاسم عن جده عن الحسين بن ثوير (فيض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱۴، ۱۴۸۶)

- مُحَمَّدٌ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ ثَوْبَرٍ (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ۴۹۰)

- عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ عِيسَى عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ ثَوْبَرٍ ابْنِ أَبِي فَاحْتَةَ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۸، ۱۵۱)

اسناد شیخ طوسی، فیض کاشانی و شیخ حر عاملی همان سند کلینی است و در سند الکافی چهار نفر وجود دارد که به ترتیب با توجه به کتب رجالی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند:

- احمد بن محمد بن عیسیٰ الاشعری: از عبدالله بن ابی رافع صحابی، خزانه دار و کاتب حضرت علی علیه السلام در نیمه دوم قرن اول هجری روایت کرده است. وی در نقل روایت از ضعفاء نهی می کرد. (ابن غضائری، ج ۱، ص ۳۹ و ۶۷)

در خلاصه اقوال علامه آمده است: أحمد بن محمد بن عیسی بن عبد الله بن سعد بن مالك بن الأخوص بالحاء غیر المعجمه بن السائب بن مالك بن عامر الأشعري من بني ذخران لقي أبا الحسن الرضا عليه السلام و أبا جعفر الثاني و أبا الحسن العسكري عليه السلام و كان ثقة و له كتب (علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ۱۴) آیت الله خویی وی را ثقة می داند. (خویی، ج ۲، ۲۹۶)

- قاسم بن یحیی بن الحسن بن راشد: نجاشی در کتاب رجال خود نام ایشان را ذکر نموده است (نجاشی، ج ۱، ۳۱۶)؛ اما در خصوص وی اظهار نظر نکرده است. باید دانست که نجاشی علمای شیعه را در کتابش نام می برد و اگر غیرشیعی را ذکر نماید؛ به مذهب وی تصریح می کند. و با عنایت به اینکه اگر در جایی نجاشی راوی را مهمل گذاشته است؛ و بر ثقة بودن و ضعیف بودن آن دلالت ندارد؛ مذهب او را صحیح می داند. لذا می توان گفت که قاسم بن یحیی صحیح المذهب است. آیت الله خویی در رقم ۲۸۱۲ در شرح حسن بن راشد مولی بنی العباس می نویسد: القاسم بن یحیی و هو ثقة علی ما یاتی (خویی، ج ۴، ۳۲۴).

- حسن بن راشد مولی بنی العباس: شیخ طوسی در فهرست (ص ۱۳۵) و رجال (ص ۱۸۱) خود نام ایشان را ذکر نموده است. وی جزء مصنفین شیعه و صاحب تصنیف بود. معجم الرجال آیت الله خویی او را امامی و ثقة معرفی نموده است (خویی، ج ۴، ۳۲۲)

- حسین بن ثویریابی فاخه: نجاشی وی را ثقة می داند. (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۵۵) شیخ طوسی وی را هاشمی و مولا هم (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۱۸۲) معرفی می نماید. آیت الله خوئی در رقم ۳۳۲۷ وی را ثقة می داند. (خویی، ج ۵، ۲۰۷)

با توجه به مطالب فوق به نظر می رسد سند کلینی و شیخ صدوق و شیخ طوسی،

از نظر اسناد مسند، و صحیح می‌باشند. سند فیض کاشانی و شیخ حر عاملی نیز مسند و صحیح است. زیرا که اسنادشان همان اسناد کافی است. اما مجلسی (ره) از کتاب کامل الزیارة ابن قولویه قمی (م ۳۶۷) که یکی از بهترین شاگردان محمد بن یعقوب کلینی و از برجسته‌ترین مشایخ شیخ مفید به شمار می‌آید؛ این زیارت را نقل می‌نماید. در سند وی پنج فرد وجود دارد: عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ ثَوْبَرٍ (ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ص ۱۹۷) در خصوص سعد بن عبدالله، آیت‌الله خوئی (ره) در معجم الرجال حدود پانزده صفحه در رقم ۵۰۴۸ بحث می‌نماید. و از نجاشی و شیخ طوسی نقل نموده که وی فقیه، جلیل‌القدر، واسع‌الاجبار و کثیر التصانیف است. و در پایان می‌گوید: فان سعد بن عبدالله ممن لا كلام ولا اشكال فی وثاقته (خوبی، ج ۸، ص ۷۶) با توجه به مطلب فوق و عظمت کتاب کامل الزیارة، وثاقت سند زیارت بالا می‌رود و زیارت از سندی صحیح و مسند برخوردار است.

۳- اختلاف متن زیارت مطلقه در کتب روایی

۳-۱- در الکافی جمله: وَ السَّبِيلَ الَّذِي لَا يَخْتَلِجُ دُونَكَ مِنَ الدُّخُولِ فِي كَفَالَتِكَ الَّتِي أُمِرْتُ بِهَا بِدِينِ شَكْل: السَّبِيلَ الَّذِي لَا يَخْتَلِجُ دُونَكَ مِنَ الدُّخُولِ فِي كَفَالَتِكَ الَّتِي أُمِرْتُ بِهَا آمده است. و نسبت به نقل شیخ عباس قمی (ره) در کلمه لَا يَخْتَلِجُ متفاوت است.

و جمله: وَ بِكُمْ تُسَبِّحُ الْأَرْضُ الَّتِي تَحْمِلُ أَبْدَانَكُمْ بِدِينِ شَكْل: وَ بِكُمْ تُسَبِّحُ الْأَرْضُ الَّتِي تَحْمِلُ أَبْدَانَكُمْ نقل شده است. و در کلمه تُسَبِّحُ با نقل شیخ عباس قمی متفاوت است.

۳-۲- شیخ صدوق فراز السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ اللَّهِ وَ ابْنَ قَتِيلِهِ وَ نِيز: وَ أَشْهَدُ أَنَّ قَتِيلَ اللَّهِ وَ ابْنَ قَتِيلِهِ را نقل نکرده است و جمله: مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِدَأْ بِكُمْ را سه بار تکرار نموده است. و جمله: وَ أُمَّةٌ شَهِدَتْ وَ لَمْ تُسْتَشْهَدْ را بدین شکل ضبط نموده است: أُمَّةٌ شَهِدَتْ وَ لَمْ تَنْصُرُكُمْ.

۳-۳- شیخ طوسی در تهذیب جملة: جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيداً وَ مُسْتَشْهِداً وَ شَهِيداً وَ مَشْهُوداً را این چنین ضبط نموده است: جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ وَ مَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيداً بَرّاً وَ مُسْتَشْهِداً وَ شَهِيداً وَ مَشْهُوداً. در دو کلمه ربک و برا متفاوت است. و نیز جملة: وَ بِكُمْ تُسَبِّحُ الْأَرْضُ الَّتِي تَحْمِلُ أَبْدَانَكُمْ وَ تَسْتَقِرُّ جِبَالُهَا عَنْ مَرَاسِيهَا إِرَادَةَ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ وَ تَصْدُرُ مِنْ بَيُوتِكُمْ وَ الصَّادِرُ عَمَّا فَصَلَ مِنْ أَحْكَامِ الْعِبَادِ را این چنین می آورد: وَ بِكُمْ تُسَبِّحُ الْأَرْضُ الَّتِي تَحْمِلُ أَبْدَانَكُمْ وَ تَسْتَقِلُّ جِبَالُهَا عَنْ مَرَاسِيهَا إِرَادَةَ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ وَ تَصْدُرُ مِنْ بَيُوتِكُمْ وَ الصَّادِرُ عَمَّا نُقِلَ مِنْ أَحْكَامِ الْعِبَادِ. در دو کلمه تستقل و نُقِلَ با نقل شیخ عباس قمی متفاوت است.

۳-۴- در کتاب وافى جملة: وَ بِكُمْ يَفُكُ الذُّلَّ مِنْ رِقَابِنَا بَدِينِ شَكْلِ آمَدَه است:

بکم یفک رقابنا من النار (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱۴، ۱۴۸۷)

۳-۵- شیخ حر عاملی در جملة: أَشْهَدُ أَنْ دَمَكَ سَكَنَ فِي الْخُلْدِ وَ أَقْشَعْتَ لَهُ أَظْلَةَ الْعَرْشِ وَ بَكَى لَهُ جَمِيعُ الْخَلَائِقِ جملة بَكَى لَهُ جَمِيعُ الْخَلَائِقِ را نیاورده است. (شیخ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ۴۹۰)

۳-۶- مجلسی که در بحار از کتاب کامل الزیارات نقل می کند؛ جملة: مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدْأَ بِكُمْ را سه بار تکرار می نماید. و جملة: الصَّادِرُ عَمَّا فَصَلَ مِنْ أَحْكَامِ الْعِبَادِ را، الصَّادِقُ عَمَّا فَصَلَ مِنْ أَحْكَامِ الْعِبَادِ ضبط نموده است.

به نظر می رسد با توجه به نزدیکی نقل مفاتیح الجنان به نقل کتاب کامل الزیارات بهترین نقل همان ضبط شیخ عباس قمی (ره) است.

۴- توضیحاتی در مورد سلام های زیارت

سلام بر امام حسین (علیه السلام) معانی و پیامهای عمیق و مهمی در بر دارد.

در مورد معنای سلام بر امام معصوم آورده اند:

«آن حضرت بر تمام مکانها اشراف دارد و به زائران خود می نگرند، سلام آنها را می شنود و به آنها نیکوترین پاسخ را بر می گرداند» (مجموعه رسائل در شرح احادیثی از کافی، ج ۲، ص ۴۰۱).

نیز درجات مختلف معنای سلام را بیان می‌دارد، به ویژه درجه‌ای از آن که در امر الهی آمده است: "صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا" (احزاب/۵۶). صلاة و تسلیم از مؤمنان بدان جهت است که: صلوات بر آنها در متابعت از خدا و ملائکه است، و سلام و تسلیم نسبت به ائمه شرط ایمان مؤمنان است، زیرا خداوند، تسلیم کامل مؤمنان در برابر پیامبر را شرط ایمان می‌داند (نساء/۶۵). به ویژه در فضای پس از رحلت پیامبر که عدم تسلیم در برابر وصیت حضرتش در امر خلافت و عدم تمکین در برابر غدیر، گسترش یافت. (همان، ص ۴۰۲-۴۰۳؛ بنگرید به تفصیل کلام او، در همان کتاب، ص ۴۰۱-۴۱۵)

۴-۱. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنِ حُجَّتِهِ (سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا)

حجت الهی بودن امام بدین معناست که قول، فعل، تقریر و هرآنچه به معصوم نسبت دارد؛ حجت است. یکی از جلوه‌های حجت بودن امام این است که دلایل در روز قیامت و حساب، آن چنان متقن ارائه می‌گردد که راه هرگونه عذر و بهانه بر روی گنهکاران بسته می‌شود.

حجّت خدا معانی گسترده دارد. یکی از معانی آن در حدیث طولانی امام صادق علیه السلام آمده است، به این مضمون که در روز قیامت، سه تن را به عنوان حجت می‌آورند که به گناه نیفتادند: یکی مریم علیها السلام با وجود زیبایی که حجّت بر زنان زیبای گنهکار می‌شود، دوم یوسف علیه السلام که به زیبایی و عفاف خود حجت بر مردان زیبای گنهکار می‌شود، سوم ایوب علیه السلام که با وجود گرفتاری‌های زیاد، صبر و شکر را از دست نداد و حجت می‌شود بر کسانی که به بهانه گرفتاری‌ها به گناه افتادند (کلینی، ج ۲، ص ۳۳). زائر با این فراز متذکر می‌گردد که باید همواره به تکلیف عمل کند.

مولی محمدتقی مجلسی در توضیح این جمله می‌نویسد: "حجت خدا و پسر حجت خدا یعنی امامی که از جانب خدا امامی، و امامت از خلق نیست مثل دیگران. و حجت خود را به معجزات با آشکار بر حقیقت امامت خود بر خلق تمام کردی مثل پدرت" (محمدتقی مجلسی، لوامع صاحب قرانی، ج ۸ ص ۶۱). در تأیید این کلام، دست کم دو مورد از زندگی امامان معصوم علیهم‌السلام را دیده‌ایم که فردی به حضور ایشان رسیده و پس از دیدن معجزات یا شنیدن حکمت‌های بارز از آن گرامی خطاب به حضرتش گفته است: اشهد انک حجتہ علی خلقه (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴ ص ۱۱۵، ج ۵۰ ص ۲۵۷)

۲-۴. السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا قَتِيلَ اللَّهِ وَابْنَ قَتِيلِهِ (سلام بر تو ای کشته راه خدا و فرزند کشته راه خدا) این جمله می‌رساند که قتل در راه خدا انسان را به دار سلام می‌رساند و او را شایسته سلام می‌کند. در روایتی از امام صادق علیه‌السلام آمده است:

أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ وَفَاتِي قَتْلًا فِي سَبِيلِكَ تَحْتَ رَايَةِ نَبِيِّكَ مَعَ أَوْلِيَائِكَ (ابن طاووس، ۱۴۰۹، ج ۱، ۳۹) بدین ترتیب یکی از آثار زیارت مطلقه، مجاهد و مبارز شدن زائر معرفی می‌شود که او را از سستی و تنبلی خارج می‌سازد، و مجاهد و تلاشگر تربیت می‌کند.

مولی محمد تقی مجلسی می‌نویسد:

قتیل الله و ابن قتيله، یعنی: ای کسی که تو را به ناحق شهید کردند، و حق سبحانه و تعالی طلب خواهد کرد خون تو را به حضرت صاحب‌الامر صلوات‌الله‌علیه (محمدتقی مجلسی، لوامع صاحب قرانی، ج ۸ ص ۶۱). وی این معنای غلط را رد می‌کند که بعضی پنداشته‌اند "خدا او را کشته است" (همان).

مولی محمدباقر مجلسی می‌نویسد: قَتِيلَ اللَّهِ، أَيْ: الذِّي قَتَلَ اللَّهُ أَوْ فِي سَبِيلِهِ، أَوَالْقَتِيلِ الذِّي طَلَبَ دَمَهُ وَ ثَارَهُ إِلَى اللَّهِ (محمدباقر مجلسی، ملاذ الاختیار فی فهم تهذیب الاخبار ج ۹ ص ۱۳۲؛ مرآة العقول ج ۱۸ ص ۴۹۸؛ بحارالانوار ج ۹۸ ص ۱۵۴) البته هر سه معنا در یک راستا است و همه را می‌توان

پذیرفت.

۳-۴. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ (سلام بر تو ای خونِ ریخته در راه خدا و فرزند چنین خونی) زائر شهادت می دهد که حسین بن علی علیه السلام خون خود را در راه خدا و حفظ اسلام فدا کرد. جایی که امام حسین خود را فدای مکتب می کند؛ جایی برای مصلحت اندیشی نمی ماند و باید آماده جان فشانی برای مکتب شد.

وقتی إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (انعام، ۱۶۲) به راستی و کمال انجام شد؛ انسان ثار خدا می گردد و خداوند خود به خونخواهی او بر می خیزد. زائر با این جمله متذکر می گردد که نباید با اولیاء خدا در افتاد که خونخواه آنها خدای توانا است: الَّذِي يَطْلُبُ اللَّهُ بَدْمَهُ مِنْ أَعْدَائِهِ (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۹، ۱۳۶). و کسی را یارای مقاومت در برابر او نیست.

نیز این پیام را در بردارد که خونخواهی خداوند، به وسیله حضرت مهدی علیه السلام و یارانش خواهد بود، چنانکه در زیارت عاشورا و منابع دیگر تصریح شده است.

۴-۴. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَثَرَ اللَّهِ الْمُؤْتَوَّرَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (سلام بر تو، خون خدا که خداوند، از قاتلان کشتگان در راه خود هنوز انتقام نگرفته است). جایی که امام حسین علیه السلام در دفاع از دین تنها می ماند؛ زائر متوجه می گردد در راه دفاع از دین از تنهایی نهراسد؛ همانگونه که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهَدْيِ لِقَلَّةِ أَهْلِهِ، فَإِنَّ النَّاسَ قَدْ اجْتَمَعُوا عَلَى مَائِدَةِ شَبْعِهَا قَصِيرٍ وَجُوعِهَا طَوِيلٍ (مفید، ۱۴۱۳ق، ۱۳۷) ای مردم در راه راست، از کمی روندگان نهراسید؛ زیرا اکثریت مردم بر گرد سفره ای جمع شده اند که سیری آن کوتاه، و گرسنگی آن طولانی است.

در خصوص این جمله، در کتاب وافی آمده است: الْمُؤْتَوَّرُ مَنْ قَتَلَ لَهُ قَتِيلٌ فَلَمْ يَدْرِكْ بَدْمَهُ (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۴، ۱۴۸۶) و در ادامه می گوید: المراد به الفرد؛ و إضافته إلى الله إِمَّا

بمعنی آنکه فرد فی عبادۀ الله أو محبّته أو رتبته عند الله (همان). علامه مجلسی در کتاب ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار در این خصوص می‌گوید: أي الفرد المتفرد فی الکمال من نوع البشر فی عصره الشریف (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۹، ۱۳۶). در کتاب الفایق فی غریب الحدیث می‌خوانیم:

إن الله وترٌ يحب الوتر فأوتروا. خدا فرد و یگانه است و یگانگی را دوست دارد. پس او را فرد و یگانه بدانید. او فرد زوج است. یعنی ثلاث اثنین است و خامس اربع است. و إذا استجمرت فأوتر. زمانی که برای رمی جمرات سنگ جمع می‌کنی؛ فرد جمع کن. (زمخشری، ۱۴۱۷، ج ۳، ۳۴۳)

مهمترین فایده‌ای که زائر در این فقره از آن بهره‌مند می‌شود؛ این است که انسان در مسیر الهی مأمور به انجام تکلیف است؛ حتی اگر تنها شد و کشته شد؛ نتیجه را به خدای علیم و حکیم وا گذارد.

۵- توضیحاتی در مورد شهادت‌های زیارت مطلقه

۵-۱. أَشْهَدُ أَنْ دَمَكَ سَكَنَ فِي الْخُلْدِ وَ أَفْشَعَرَتْ لَهُ أَظْلَةُ الْعَرْشِ، وَ بَكَى لَهُ جَمِيعُ الْخَلَائِقِ، وَ بَكَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُونَ السَّبْعُ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَنْ يَتَقَلَّبُ فِي الْجَنَّةِ وَ النَّارِ مِنْ خَلْقِ رَبَّنَا وَ مَا يُرَى وَ مَا لَا يُرَى. گواهی می‌دهم که خون تو در بهشت جاوید، جایگیر شد و عرش به خاطر این مصیبت لرزید و برای او تمام خلائق، آسمانهای هفتگانه، زمینهای هفتگانه و آنچه در آنها و ما بین آنهاست و هرچه در بهشت و دوزخ از مخلوقات است و آن چه دیده می‌شود و دیده نمی‌شود؛ گریستند.

فیض کاشانی می‌نویسد: "دمک سکن فی الخلد، أي: لم یسکن دمک فی الأرض، بل یضطرب بعد و یفور، و إنها سکن فی الجنان التی هی دار الخلود" (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۴، ص ۱۴۸۹). علامه مجلسی نوشته است: "در بعضی از کتب زیارت آمده است: اظلة العرش مع اظلة الخلائق. یعنی: هفت آسمان و کرسی و حجابها... یا ساکنان عرش، از ارواح مقدس و

عرش چیست؟ و چگونه به سبب خون مظلوم کربلا لرزید؟ در خصوص حقیقت

عرش در روایتی می‌خوانیم:

ذَكَرْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيمَا يَرُوْنُ مِنَ الرُّؤْيَةِ. فَقَالَ: الشَّمْسُ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءًا مِنْ نُورِ الْكَرْسِيِّ، وَ الْكَرْسِيُّ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءًا مِنْ نُورِ الْعَرْشِ، وَ الْعَرْشُ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءًا مِنْ نُورِ الْحِجَابِ، وَ الْحِجَابُ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءًا مِنْ نُورِ السِّتْرِ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ۹۸) از امام صادق علیه السلام

در خصوص رؤیت سوال کردم. فرمود: خورشید جزئی از هفتاد جزء کرسی است و کرسی جزئی از هفتاد جزء عرش است و عرش جزئی از هفتاد جزء حجاب است و حجاب جزئی از هفتاد جزء نور ستر است.

این روایت، افق دید زائر را تا بیکران می‌برد. و او را متوجه می‌سازد که نه تنها زمین بلکه عالم هستی در مقابل حادثه کربلا متأثر می‌باشد.

۵-۲. أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ وَ ابْنُ حُجَّتِهِ. در این جمله، زائر به حجت و برهان قاطع بودن امام معصوم علیه السلام شهادت می‌دهد. و بر مراقبت و محافظت اعمال خود می‌افزاید. شهادت بر یک امر یعنی پذیرفتن این مطلب - به نحو شهود عینی نه فقط بحث خشک استدلالی - که فعل و قول معصوم، معیار و میزان حق است.

۵-۳. وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَتِيلُ اللَّهِ وَ ابْنُ قَتِيلِهِ. گواهی می‌دهم که تو کشته خدا و فرزند کشته خدایی. شهادت به کشته شدن امام در راه دین الهی، شهادت در مقابل غیب است. آن که می‌بیند امام در راه دین جان فشانی می‌کند؛ در طی مسیر الهی پایداری به خرج می‌دهد و خود را موظف می‌کند که در مسیر شهادت قدم بردارد.

۵-۴. وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ وَ نَصَحْتَ وَ وَفَيْتَ وَ أَوْفَيْتَ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيداً وَ مُسْتَشْهِداً وَ شَهِيداً وَ مَشْهُوداً. گواهی می‌دهم که تو در راه خدا تبلیغ کردی و امت را نصیحت و ارشاد نمودی و به عهد خدا وفا کرده و حق را ادا

نمودی و در راه خدا به شایستگی تمام جهاد کردی و در این راه به شهادت رسیدی و به مقام شاهد و مشهود نایل شدی.

علامه مجلسی می‌نویسد: کلمه اوفیت، از آیه قرآن است که: من اوفی بما عاهد علیه الله (فتح: ۱۰) یا به معنای وفای کامل و ادای تمام آنچه برای هدایت و خیرخواهی ضرورت داشت، مانند این آیه که: و ابراهیم الذی وقى (نجم: ۳۷) (ملاذ، ج ۹ ص ۱۳۶؛ بحار، ج ۹۸ ص ۱۵۵).

مولی محمدتقی مجلسی شبیه این جملات را در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام آورده و در توضیح آن می‌نویسد: "به عهدهای الهی عمل نمودی و وفا کردی، و سخنان خدا را تماماً به خلق رسانیدی، و هرچه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم به خلق نرسانیده بود - چون و قتش نشده بود- تو رسانیدی در وقت خود" (محمدتقی مجلسی، لوامع، ج ۸ ص ۶۰۳).

وی می‌افزاید: «در جمیع این فقرات، کنایات است که آن جماعتی که بر تو تقدّم جستند به حسب ظاهر، غرض ایشان احیای کفر بود. و با وجود تقدم بر تو، آنچه بایست، کردی و نگذاشتی که مطالب (= خواسته‌های) ایشان به فعل آید، و غرضت رضای الهی بود... و در راه دین کوشیدی تا شهید شدی و شاهد خلاق شدی. و رسول خدا شهادت داد و خواهد داد که هرچه بایست، کردی...» (همان، ص ۶۰۳).

نیز در جای دیگر می‌نویسد: «و مشهودا، یشهد لك الله و رسوله و الملائكة و المؤمنون بأنك كنت مع الحق، و كان الحق معك أينما كنت» (محمدتقی مجلسی، روضة المتقين، ج ۵ ص ۴۱۳).

علامه مجلسی ذیل جمله "مضیت للذی كنت علیه" شش معنا برای لام (در للذی) آورده و بر آن اساس معانی مختلف برای جمله آورده است. (بنگريد: ملاذ الاخيار، ج ۹ ص ۶۴-۶۵؛ مرآة العقول ج ۱۸ ص ۲۹۹-۳۰۰؛ بحار الانوار، ج ۹۷ ص ۲۷۷)

زائر با شهادت به ابلاغ دین، خیرخواهی، وفاداری در تحقق کامل حق و مجاهدت در راه خدا توسط امام، خود به سمت دعوت به حق و خیرخواهی برای مردم سوق پیدا می‌کند. و از امام می‌آموزد که برای تحقق اهداف مقدس باید شهادت جو باشد.

۵-۵. اَنَا عَبْدُ اللَّهِ. زائر اگر متوجه این امر باشد که آزاد نیست و بنده است؛ از میزان و صراطی که برایش ترسیم شده خارج نمی‌شود. شاید تأکید بر عبودیت خدا بدان جهت باشد که در ذهن زائر، شبهه غلو پیش نیاید، و فراموش نکند که در هر حال، بنده خداست و بس. چنانکه در آغاز زیارت جامعه کبیره به زائر امر شده که صد بار تکبیر بگوید.

مولی محمدتقی مجلسی در مورد وجه آن گوید: "دور نیست که وجه تکبیر گفتن این باشد که اکثر طبایع مایل است به غلو، مبدا از عبارات امثال این زیارات به غلو افتد، یا از بزرگی حق سبحانه و تعالی غافل شود" (محمدتقی مجلسی، لوامع، ج ۸ ص ۶۶۶. نیز بنگرید: شرح مبسوط در مورد تفاوت میان فضیلت و افضلیت، و نفی عقیده غالبان در این زمینه، که در همان کتاب، ص ۶۶۷ آمده است).

۵-۶. وَ مَوْلَاكَ (دوست تو) اقرار به حب و دوستی امام حسین علیه السلام و پیوند ولایت با حضرتش جدا از عبودیت و بندگی خدا نیست. زائر ابتدا به بندگی خدا اقرار می‌کند: انا عبدالله، و سپس به حب و ولایت امام اقرار می‌کند.

مولی محمدتقی مجلسی می‌نویسد: مولای توام که نعمت هدایت بر من داری، و به برکت ولایت تو، آزاده کرده توأم از آتش دوزخ، یا دوست توأم و در فرمان و به درگاه تو آمده‌ام (محمدتقی مجلسی، لوامع، ج ۸ ص ۶۱۳).

۵-۷. وَ فِي طَاعَتِكَ. امام حسین علیه السلام اطاعتی فراتر از اوامر و دستورات الهی از کسی نمی‌پذیرد. زائر می‌آموزد که: الرَّاعِبُ عَنْهُمْ مَارِقٌ وَالْمُقَصِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ (کوفی، ۱۴۱۰، ۳۹۶). و این اطاعت همان اطاعت از اولوالامری است که خدا بدان دستور داده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ (نساء، ۵۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛ خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید. پس هر گاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید؛ اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید؛ آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او]

عرضه بدارید. این بهتر و نیک فرجامتر است.

در آیه مذکور، مؤمنین را به اطاعت خدا، رسول و اولوالامر دعوت می‌کند؛ و در ادامه می‌فرماید: اگر در امری دچار اختلاف شدید؛ به خدا و رسول مراجعه کنید؛ سیاق آیه نشان می‌دهد خداوند علیم از اینکه امت پیامبر در اولوالامر دچار اختلاف می‌شوند؛ آگاه بوده است. از صدها روایت و بویژه حدیث غدیراستنباط می‌شود که صاحبان امر همان اهل بیت هستند. صاحب تفسیر تسنیم در ذیل آیه مذکور می‌گوید: در صورت تنازع، رجوع به کتاب خدا و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای مؤمنان خیر است و عاقبتی نیکو و خوش دربر دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۹، ۲۴۰)

۵-۸. وَ الْوَافِدُ إِلَيْكَ (به تو پناه آورده‌ام) امام حسین علیه السلام از خاندان کرم است و پناه آورندگان خود را بدون صله و پاداش بر نمی‌گرداند. در زیارت مأثور آمده است: إِنَّ لِكُلِّ وَافِدٍ جَاوِزَةً وَ لِكُلِّ زَائِرٍ كَرَامَةً (مفید، ۱۴۱۳ق، ۱۶۲؛ همین مضمون: کامل الزیارات ص ۲۲۵)

۶- توضیحاتی در مورد درخواستهای متن زیارت مطلقه

۶-۱. اَلْتَمِسُ كَمَالَ الْمَنْزِلَةِ عِنْدَ اللَّهِ (جویای مقام کاملی در پیش خدا هستم). زائر که تحت تربیت امام قرار می‌گیرد؛ یکی از درخواستهایش منزلت و تقرب الهی است.

۶-۲. وَ ثَبَاتَ الْقَدَمِ فِي الْهَجْرَةِ إِلَيْكَ (پایداری در هجرت به درگاهت). زائر می‌فهمد که برای پیمودن راه امام، استقامت و پایداری نیاز است. علامه طباطبایی در خصوص آیه: إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ (فصلت ۳۰) بحثی آورده تحت عنوان «بیان حسن حال مؤمنین استقامت پیشه و آینده نیکویی که در انتظارشان است»، و در آن می‌نویسد: این آیه و آیه بعدش حسن حال مؤمنین را بیان می‌کند که در انتظار آنها است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ۵۹۱)

مولی محمدتقی مجلسی در توضیح جمله می‌نویسد: "ثبات القدم... للزيارة أو الولاية" (روضة المتقين، ج ۵ ص ۴۲۹) و در شرح آن می‌نویسد: «مهاجرت از وطن و اهل و عیال به سوی

تو، یا مهاجرت از دشمنان تو، به سوی تو» (لوامع، ج ۸ ص ۶۱۴).

علامه مجلسی پس از نقل این موارد افزوده است: احتمال می‌رود که "فی" برای تحلیل باشد، یعنی: ثبات القدم فی الدین، أو فی ولایتک لهجرتی الیک (ملاذ الاخیار، ج ۹ ص ۱۳۷؛ بحارالانوار ج ۹۸ ص ۱۵۵).

۳-۶. وَ السَّبِيلَ الَّذِي لَا يَخْتَلِجُ دُونَكَ مِنَ الدُّخُولِ فِي كَفَالَتِكَ الَّتِي أُمِرْتَ بِهَا. خواهشم آن است که در هجرت به سوی تو پایدار باشم و برای وارد شدن در کفالت و حمایت تو که به آن مامور گشته‌ای.

زائر وقتی به سوی امام حرکت کرد، در واقع به راهی قدم می‌گذارد که دغدغه و اضطرابی ندارد و خود را تحت سرپرستی و ولایت امام قرار می‌دهد.

مولی محمدتقی مجلسی می‌نویسد: "اسئلك منك أن تدخلني في كفالتك و حفظك و رعایتك حتی لا يمكن لأحد أن ينتزعني عنك كما ينتزع أصحاب رسول الله ﷺ عند الحوض" (روضة المتقين، ج ۵ ص ۴۲۹). وی در توضیح این جمله در لوامع صاحب قرانی می‌نویسد: «حق سبخانه و تعالی مرا بدارد به راهی که هر که در آن راه باشد او را نربایند و مانع نشوند در روز قیامت؛ یا در دنیا و عقبی از داخل شدن در پناه تو و در ضمان و عهد و پیمان تو که امر کرده خلایق را که در آن عهد داخل شوند؛ یعنی: امر کرده به ولایت اهل بیت رسالت، و مقرر فرموده که هر که ولای اهل بیت داشته باشد، فردای قیامت - یا در دنیا و عقبی - در کفالت و پناه توست، و کسی از شیاطین جنّ و انس او را اضلال نتواند کرد. و در روز قیامت که در حوض کوثر بر تو وارد شود، ملائکه او را نربایند که به جهنم برند» (لوامع صاحب قرانی، ج ۸ ص ۶۱۴). وی به حدیثی استناد می‌کند که در روز جزاء پیامبر گروهی را از ورود بر حوض باز می‌دارد، با اینکه صحابه بوده‌اند.

همین مضامین را علامه مجلسی به بیان خود آورده است (ملاذ الاخیار، ج ۹ ص ۱۳۸؛ مرآة

العقول، ج ۱۸ ص ۳۰۰-۳۰۱؛ بحارالانوار، ج ۹۸ ص ۱۵۵).

۷- شئون و مقامات اهل بیت علیهم السلام در زیارت مطلقه

۱-۷. مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِدَا بِكُمْ (هر که آهنگ خدا کند؛ از شما آغاز کند). زائر برای ورود در بارگاه الهی راهی جز راه امام ندارد. چنانچه در قرآن فرمود: وَ اتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا (بقره ۱۸۹). رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خود را شهر علم و علی علیه السلام را در آن معرفی نمود (ابن طاووس، ۱۳۷۴، ۳۰۲). بدین ترتیب یکی از آثار و فوایدی که نصیب زائر می‌گردد؛ این است که راه را در پرتو زیارت می‌یابد و می‌فهمد که راه همان راه ائمه است.

۲-۷. بِكُمْ يَبِينُ اللَّهُ الْكُذْبَ (به وسیله شما خدا دروغ را آشکار کند). ائمه معصومین همان صراط مستقیم هستند که معیار تشخیص دروغگو و راستگو هستند. نَحْنُ وَاللَّهُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيم (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ۶۶) زائر باید حرکات و سکنات خود را با محک و معیار حضرات معصومین علیهم السلام بسنجد. چرا که تنها راه تشخیص نفاق که همان کفر درونی است؛ عمل امام معصوم است. از پیامبر اسلام نقل شده: كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي وَيُبْغِضُ عَلِيًّا (ابن بابویه، ۱۳۷۶، النص، ۱۲۶) زائر در این فراز متوجه می‌شود که کسی که مخالف راه و عمل امام حرکت می‌کند؛ دروغگویی بیش نیست.

۳-۷. وَ بِكُمْ يَبْعِدُ اللَّهُ الزَّمَانَ الْكَلْبَ (به خاطر شما خداوند، روزگار دشوار و گزنده را دور کند). این فراز زائر را متوجه دولت مهدوی می‌کند و نور امید و رهایی از دردهای زمان در دلش ایجاد می‌گردد. یباعد الکلب الشدید بظهور صاحب الزمان علیه السلام روزگار دشوار با ظهور حضرت حجت ارواحنا فداه پایان می‌یابد. (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۵، ۴۳۰)

۴-۷. وَ بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ (هر فتح و گشایشی به وسیله شما صورت می‌گیرد). همانگونه که راه شناخت و معرفت خداوند ائمه معصومین هستند؛ هیچ فیضی به سوی کسی گشوده نمی‌شود؛ مگر با عنایت و گشایش توسط ایشان.

۵-۷. وَ بِكُمْ يَخْتِمُ اللَّهُ هر خاتمه‌ای به عنایت امام افزایش و کاهش می‌یابد. برخی از روایات، تاثیر زیارت امام حسین علیه السلام را بر افزایش عمر و وسعت رزق بیان کرده و ترک

زیارت را مایه کاهش عمر و رزق شمرده‌اند. مثال:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: مَرُّوا شِعَتَنَا بِزِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (ع) فَإِنَّ إِيَّانَهُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَيَمْدُ فِي الْعُمُرِ وَيُدْفَعُ مَدَافِعَ السَّوْءِ، وَإِيَّانَهُ مُفْتَرَضٌ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ يَقِرُّ لِلْحُسَيْنِ بِالْإِمَامَةِ مِنَ اللَّهِ. (ابن قولویه، ۱۵۱، ۱۳۵۶) امام باقر (ع) فرمود: توصیه و امر کنید شیعیان ما را که به زیارت قبر امام حسین (ع) حرکت کنند؛ زیرا زیارت حضرتش مایه زیادتی در رزق، عمر طولانی و رفع سوء و بدی خواهد بود. بلکه رفتن به زیارت حسین (ع)، بر هر مؤمنی که به امامت او معترف است؛ یک فریضه است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: لَا تَدَعُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع)، وَ مَرَّ أَصْحَابِكَ بِذَلِكَ، يَمْدُ اللَّهُ فِي عُمْرِكَ وَ يَزِيدُ فِي رِزْقِكَ وَ يُحْيِيكَ اللَّهُ سَعِيداً وَ لَا تَمُوتُ إِلَّا شَهِيداً وَ يَكْتُبُكَ سَعِيداً. (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ۴۳۱) امام صادق (ع) فرمود: ای عبدالملک هرگز زیارت امام حسین (ع) را ترک مکن، بلکه اصحاب و یارانت را به این مسئله توصیه و امر کن. خداوند در سایه زیارت حسین (ع) عمر تو را طولانی و رزقت را فراوان می‌کند. و حیات و ممات تو را با سعادت قرین می‌گرداند و تو را در زمره سعادتمندان محسوب می‌دارد.

۶-۷. وَ بِكُمْ يَمْحُو مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ. خدا آنچه را بخواهد محو یا اثبات کند؛ بوسیله شما انجام می‌دهد. خدای سبحان قدرت دارد که وضع هر کسی را تغییر دهد: گذشته را محو کند: يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ (رعد۳۹) گناهکاران را می‌بخشد و وارد بهشت می‌شوند، چنانکه گذشته خود و عفو الهی را به یاد نمی‌آورند. و در روایت آمده است: گناهکارانی که از جهنم نجات می‌یابند؛ شرم کرده و از خداوند درخواست می‌کنند که جمله جهنمیون عتقاء الرحمن من النار را که نشان پیشینه جهنمی بودن آنهاست؛ از چهره آنان پاک کند و خداوند نیز خواسته‌شان را می‌پذیرد. بالاتر از این، صفحه خاطرات بهشتیان پیراسته است از آنچه سبب اندوهگینی آنان شود:

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ (فاطر۳۵). برای نمونه حضرت نوح (ع) به یاد

نمی‌آورد که فرزند کافرش اکنون در آتش می‌سوزد. در نتیجه غمگین نمی‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ۴۵۳). زائر با این فراز متوجه می‌شود که خداوند، عترت را سکاندار لوح محو و اثبات قرار داده و به عنایت آنان خطای او محو می‌گردد؛ برخی مفسران در خصوص این جمله که همان آیه ۳۹ سوره رعد است؛ می‌گویند: داستان نجات قوم یونس از این قرار است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ۳۸۷)، فی‌فعل الله ما یشاء و یحول ما یشاء مثل قوم یونس (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ۵۵)

۷-۷. وَ بِكُمْ يَفْكُ الذِّلِّ مِنْ رِقَابِنَا. زائر از ذلت گناه رهایی می‌یابد. در زیارت جامعه کبیره به تعلیم امام هادی علیه السلام می‌خوانیم: فَمَا أَحْلَى أَسْمَاءَكُمْ وَ أَكْرَمَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَعْظَمَ شَأْنَكُمْ وَ أَجَلَ خَطَرَكُمْ وَ أَوْفَى عَهْدَكُمْ وَ أَصْدَقَ وَعْدَكُمْ... وَ بِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الذِّلِّ وَ فَرَّجَ عَنَّا غَمَرَاتِ الْكُرُوبِ وَ أَنْقَذَنَا مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ وَ مِنَ النَّارِ. (ابن مشهدی، ۱۴۱۹، ۵۳۳) چه شیرین و گرمای است اسمها و جانمایی که به زیارتشان رفته است. و چه با عظمت و مهابت است؛ آستانهایی که به سوی آنها مشرف شده است. به وجود آنها رفع گرفتاری می‌شود. و غائله غم فرو می‌نشیند. و اندوه و ماتم رخت برمی‌بندد. و بهشت، برزخ و قیامت جای عذاب و آتش می‌نشیند.

بزرگترین ذلّ و خواری تمسک به گناه است. و ائمه همواره در صدد تزکیه انسانها هستند. در روایت دیگری آمده است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ مُحْتَسِبًا لَا أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا رِيَاءً وَلَا سُمْعَةً، مُحَصِّتٌ عَنْهُ ذُنُوبَهُ كَمَا يُمَحِّصُ الثَّوْبُ بِالْمَاءِ (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ۱۴۴) کسی که حسین بن علی علیه السلام را خالصانه و بدون شائبه زیارت کند و از انگیزه‌های تعدی و طغیان یا ریا و سمعه منزّه و مبرا باشد؛ همه گناهان او شسته و پاک می‌شود؛ چنانکه لباس به وسیله آب شسته و پاک می‌شود.

۸-۷. وَ بِكُمْ يَذْكُرُ اللَّهُ تَرَةً كُلِّ مُؤْمِنٍ يُطَلَّبُ بِهَا به وسیله شما انتقام خون هر مومنی که

مورد مطالبه است؛ گرفته می‌شود. بزرگترین اثر و فایده‌ای که زائر با این فراز متوجه می‌شود؛ این است که تلاش او در جهت حفظ دین و اطاعت فرمان الهی، اگر منتهی به شهادت او گردد؛ به هدر نرفته و توسط اولیاء خداوند انتقام خونش گرفته می‌شود. و اعمال او در جهت استقرار حاکمیت دین الهی بی‌نتیجه نبوده است. همچنین می‌رساند که منتقم خون مؤمنان و پاکان، امام موعود و منتقم از خاندان پیامبر ﷺ است نه هر مدّعی دیگر.

۷-۹. وَ بِكُمْ تُنْبِئُ الْأَرْضُ أَشْجَارَهَا (به شما زمین، درختان را برویاند.) درختان و عالم تکوین به عنایت شما به سمت هدف حرکت می‌کنند. در این جمله زائر متنبه می‌گردد که اگر خود را در تحت تدبیر امام قرار دهد؛ به منتهای تکامل خواهد رسید. شاید مراد از شجر، خاندان باشد که از ارض انسانیت سر بر می‌آورند؛ چنانکه صاحب قاموس قرآن می‌گوید: اطلاق شجره بر نسل و خانواده شایع و معمول است (قرشی بنابی، ۱۴۱۲، ج ۳، ۴۰).
۷-۱۰. وَ بِكُمْ تُخْرِجُ الْأَشْجَارُ أَثْمَارَهَا (درختان به عنایت شما ثمر می‌دهند).
۷-۱۱. وَ بِكُمْ تُنْزِلُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ رِزْقَهَا (به شما آسمان قطرات بارانش و روزیش را ببارد).

۷-۱۲. وَ بِكُمْ يَكْشِفُ اللَّهُ الْكَرْبَ: غم و اندوه با عنایت شما برطرف می‌شود. مشکلات و بلاها با لطف و نگاه امام مرتفع می‌گردد. در برخی روایات آمده است:
إِن إِلَى جَانِبِهِمْ لَقَبْرًا مَا لَقَاهُ مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفَسَ اللَّهُ كَرْبَتَهُ وَ أَجَابَ دَعْوَتَهُ (ابن عقیله، ۱۴۲۴، ۱۳۹) امام صادق علیه السلام فرمود: در نزدیکی آنها قبری است که هیچ اندوهگین به سوی آن نرفته است؛ مگر این که خداوند سختی و مشکل او را برطرف و حاجتش را برآورده می‌کند.
امام رضا علیه السلام فرمود: إِنَّ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَتَلَ مَكْرُوبًا فَحَقَّ عَلَى اللَّهِ - جَلَّ ذِكْرُهُ - أَنْ لَا يَأْتِيَهُ مَكْرُوبٌ إِلَّا فَرَّجَ اللَّهُ كَرْبَهُ (تقی، ۱۳۹۵، ج ۲، ۸۵۷) حسین علیه السلام با سختی و رنج به شهادت رسید. و شایسته است که هیچ رنجور و غمگینی به سوی او نرود؛ مگر اینکه خداوند او را

شادمان و با بر آورده شدن حاجتش برگرداند.

- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِنَّ الْحُسَيْنَ صَاحِبَ كَرْبَلَاءَ قُتِلَ مَظْلُومًا مَكْرُوبًا عَطْشَانًا لَهْفَانًا قَالَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ لَا يَأْتِيَهُ لَهْفَانٌ وَلَا مَكْرُوبٌ وَلَا مَذْنِبٌ وَلَا مَغْمُومٌ وَلَا عَطْشَانٌ وَلَا مَنْ بِهِ عَاهَةٌ ثُمَّ دَعَا عِنْدَهُ وَتَقَرَّبَ بِالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا نَفْسَ اللَّهِ كُرْبَتَهُ وَاعْطَاهُ مَسْأَلَتَهُ وَغَفَرَ ذَنْبَهُ وَمدَّ فِي عَمْرِهِ وَبَسَطَ فِي رِزْقِهِ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ۱۶۸)

امام حسین عليه السلام صاحب وادی بلا، مظلومانه و در حال سختی و تشنگی به شهادت رسید؛ از این رو خداوند اینگونه مقرر کرد که هیچ عطشان و خسته‌ای به سوی حسین عليه السلام حرکت نکند و هیچ گنهکار و غمگینی و هیچ انسان تشنه و هیچ انسانی که رنج به او روی آورده، در کنار قبر حسین عليه السلام دست به دعا برندارد؛ مگر اینکه خداوند سختی و مشکلات را از او بردارد و نیازش را پاسخ گوید و گنااهش را بیامزد و در عمر و روزی او توسعه دهد. ای صاحبان خرد و بصیرت عبرت گیرید.

۷-۱۳. وَ بِكُمْ يُنْزِلُ اللَّهُ الْغَيْثَ (و به شما خدا باران را فرو بارد).

۷-۱۴. وَ بِكُمْ تُسَبِّحُ الْأَرْضُ الَّتِي تَحْمِلُ أَبْدَانَكُمْ وَ تَسْقِرُ جِبَالَهَا عَنْ مَرَاسِيهَا إِرَادَةَ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ وَ تَصْدُرُ مِنْ بُيُوتِكُمْ وَ الصَّادِرُ عَمَّا فَصَلَ مِنْ أَحْكَامِ الْعِبَادِ (بوسیله شما تسبیح گوید زمینی که بدنهای مطهر شما را بر خود دارد؛ و کوههایش بوسیله لنگرهای آن مستقر گردد. و خواست پروردگار در اندازه کارهایش به سوی شما فرود آید. و از خانه‌های شما صادر گردد و نیز آنچه از تفصیل احکام بندگان صدور یابد)

این جمله یکی از مهم‌ترین شئون امامان معصوم عليهم السلام را بیان می‌دارد، که شرح آن در این مختصر نگنجد. در این زمینه گفته‌اند: «انسانهای کامل ظرف اراده خدا می‌شوند و به مقام وما تشاؤون إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ (دهر ۳۰) می‌رسند و چیزی را نمی‌خواهند مگر آنکه خدا بخواهد. آنگاه هدایت تکوینی همه هستی (اعم از مادی و مجرد) را بر عهده می‌گیرند و همه موجودات را به اذن خدا رهبری می‌کنند. خلیفه خدا همان ید الله است که به

صورت آدمی کار می‌کند. در واقع خود خداوند است که آن فعل را انجام می‌دهد و خلیفه خدا، مجرای صدور فعل و مهبط هبوط و نزول اراده ربّ است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۳، ۱۴۸)

۸- توضیح لعنت‌های زیارت مطلقه

۸-۱. لُعِنَتْ أُمَّةٌ قَتَلَتْكُمْ (لعنت بر آن امتی که شما را کشتند) کشتن امام به عنوان خلیفه الهی بزرگترین لعنها را در پی دارد. لعن همان طرد شدن از بارگاه رحمت الهی است. قتل بدون حق، منازعه با ربوبیت رب العالمین است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ۵۱۶) زائر باید مراقب باشد تا به حرب و قتل اولیاء الهی آلوده نشود که لعن الهی را در پی دارد.

۸-۲. وَ أُمَّةٌ خَالَفَتْكُمْ (لعنت بر آن امتی که با شما مخالفت کردند). مخالف امام، در خور لعن است؛ چرا که مخالفت با امام، مخالفت با رسول ﷺ است و مخالفت با رسول ﷺ مخالفت با خداست.

۸-۳. وَ أُمَّةٌ جَدَّتْ وَلَايَتَكُمْ (لعنت بر آن جماعتی که ولایت شما را منکر شدند) انکار ولایت اهل بیت، قائل شدن به عدم تداوم نبوت در چهره ولایت است.

۸-۴. وَ أُمَّةٌ ظَاهَرَتْ عَلَيْكُمْ (لعنت بر آن امتی که از دشمن شما پشتیبانی کردند) ابن طاووس در مبحثی تحت عنوان «عاقبت کار حاضرین در صحنه کربلا» این گونه نقل می‌کند: ابن ریاح روایت نمود کوری را دیدم که در صحنه کربلا حاضر بود. و از علّت کوری وی پرسیده شد. گفت: در روز عاشورا در کربلا حضور داشتم. بدون اینکه از نیزه، شمشیر و تیر استفاده کنم. بعد از شهادت امام، به خانه‌ام بازگشتم. و بعد از نماز عشاء خفتم. در رؤیا دیدم یکی گفت: دعوت پیامبر را اجابت کن. گفتم: مرا با او چکار؟ گریبانم را گرفت و کشید و نزد پیامبر برد. دیدم پیامبر ﷺ در بیابانی نشسته و آستینها را تا آرنج بالا زده و حربهای در دست دارد. فرشته‌ای در نزدش ایستاد. و شمشیری از آتش بدست داشت. بر هر کسی که شمشیر آتشین فرود می‌آورد؛ آتش

می‌گیرد و شعله‌های آتش از وی بلند می‌شود. جلو رفتن و نزدش بر زانو نشستن و گفتن: السَّلامُ عَلَیکَ یا رسولَ اللَّهِ. جوابم نفرمود و مکث طولانی نمود. بعد سر را بالا کرد و فرمود: ای دشمن خدا حرمت‌م را رعایت نکردی. عترتم را کُشتی. و حَقِّم را رعایت ننمودی. و کردی آنچه کردی. گفتن: یا رسولَ اللَّهِ، به خدا که شمشیری نزده و نیزه‌ای را فرود نیاورده و نیزه‌ای نیانداختم. فرمود: راست گفتی. و لیکن سیاهی لشکر بودی. نزدیکم بیا. نزدیکش شدم. طشتی پر از خون دیدم. فرمود: این خون فرزندم حسین است. از آن خون در چشمم کشید. از خواب جستم. از آن زمان تا کنون چیزی را نمی‌بینم (ابن طاووس، ۱۶۲، ۱۳۸۰) زائر متذکر می‌گردد در طی مسیر باید در جبهه حق قرار بگیرد. سکوت و بی‌طرفی به منزله در جبهه باطل بودن است چنان که گفته‌اند: الساکت عن الحق کالناطق بالباطل. (ابن طیفور، ۱۵)

۵-۸. وَ أُمَّةٌ شَهِدَتْ وَ لَمْ تُسْتَشْهَدْ (لعن بر آن امتی که حاضر بودند ولی تن به شهادت ندادند). عده‌ای در کربلا حضور یافتند؛ اما زمانی که دیدند که پیروزی ظاهری نصیب امام نمی‌شود؛ امام را رها کردند. مانند هرثمه بن سلیم که از همراهان امیرمؤمنان (ع) در جنگ صفین بود. و پیشگویی آن حضرت درباره شهادت امام حسین (ع) در کربلا را شنیده بود. و همراه لشکر حرّ مانع ورود وی به کوفه شد. پس از رسیدن به کربلا نزد امام حسین (ع) رفت. و آنچه را دیده بود؛ برای آن حضرت بازگو کرد. امام حسین (ع) پس از شنیدن سخنان وی فرمود: اکنون با ما هستی یا بر ما؟ گفت: هیچ یک. زیرا نگران زن و فرزند خود هستم. امام (ع) فرمود: حال که چنین است؛ از این منطقه دور شو. چون هرکس استغاثه ما را بشنود و یاریمان نکند؛ سزایش جهنم خواهد بود؛ فَوَلَّ هَرَباً حَتَّى لَا تَرَى مَقْتَلَنَا. فَوَ الَّذِي نَفْسُ حُسَيْنٍ بَيَّةٌ لَا يَرِي الْيَوْمَ مَقْتَلَنَا أَحَدٌ ثُمَّ لَا يَعِينُنَا إِلَّا دَخَلَ النَّارَ (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۵، ۴۴۰).

افرادی مثل هرثمه معنای آیه النَّبِيِّ أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ (احزاب ۶) «پیامبر به مؤمنان

از خودشان سزاوارتر [و نزدیکتر] است» را به دقت متوجه نشدند. یعنی اگر امر مخیر شد بین حفظ جان نبی و جان شخص، حفظ جان نبی در اولویت است. و در مورد امامت که تداوم نبوت است این دستور، ساری و جاری است. چنانکه در تفسیر المیزان می‌خوانیم: معنای اولی بودن رسول خدا ﷺ به مؤمنین از خود مؤمنین، این است که آن جناب نسبت به مؤمنین از خود مؤمنین اختیار بیشتری دارد. و معنای اولویت این است که فرد مسلمان هر جا امر را دائر بین حفظ منافع رسول خدا ﷺ و حفظ منافع خودش دید؛ باید منافع رسول خدا ﷺ را مقدم بدارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ۴۱۴) زائر متوجه باشد که صرف حضور در جبهه حق کافی نیست؛ بلکه استقامت تا مرز شهادت کمال است.

۹- حمد در زیارت مطلقه

– الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ النَّارَ مَثْوَاهُمْ وَ بَيْسَ وَرْدِ الْوَارِدِينَ وَ بَيْسَ الْوَرْدِ الْمَوْرُودُ (حمد و ستایش مخصوص خدایی است که آتش دوزخ را جایگاه آنان قرار داد و چه بد منزلگاهی است که بر آن وارد می‌شوند) گفته‌اند: الورد بالكسر هو الماء الذي ورد العطاش عليه لشرب الماء لرفع عطشهم والنار ضد الماء وهي تزيد في عطشهم. فبئس وردهم. وفي بعض النسخ: «بئس الورد المورود». فالورد الذي هو النار مورود للواردین العطاش. فبئس الورد الذي يزيد في عطشهم. ورد به کسر واو، آبی است که تشنه برای نوشیدن آب و رفع عطش بر آن وارد می‌شود. و آتش ضد آب است و موجب زیادی عطش می‌گردد. و بد جایگاهی است و در برخی نسخه‌ها «بئس الورد المورود» ضبط شده که ورد به معنای آتش است و مورود به معنای عطشان است جایی که عطش را زیاد می‌کند بد جایگاهی است (سلیمانی آشتیانی و درایتی، ۱۳۸۷، ج ۲، ۴۵۱) زائر خدا را شکر می‌گوید، زیرا خداوند دشمنان اهل بیت را وارد آتش می‌کند و آتشی که خدا برافروزد بد جایگاهی خواهد بود.

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، ۱۳۷۶ش، **الأمالی**، کتابچی-تهران، چاپ: ششم.
۲. _____، ۱۴۱۳ق، **من لا يحضره الفقيه**، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ: دوم.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۳۷۴ش، **الطرائف** / ترجمه داود إلهامی، نوید اسلام - قم، چاپ: دوم.
۴. _____، ۱۳۸۰ش، **لهوف** / ترجمه میر ابو طالبی، دلیل ما - ایران: قم، چاپ: اول.
۵. _____، ۱۴۰۹ق، **إقبال الأعمال**، دار الکتب الإسلامیه - تهران، چاپ: دوم.
۶. ابن طیفور، احمد بن أبی طاهر، بی تا، **بلاغات النساء**، الشریف الرضی - قم، چاپ: اول.
۷. ابن عقده کوفی، احمد بن محمد، ۱۴۲۴ق، **فضائل أمير المؤمنين (علیه السلام)**، دلیل ما - ایران: قم، چاپ: اول.
۸. ابن غضائری، احمد بن ابی عبدالله، بی تا
۹. ابن قولویه، جعفر بن محمد، ۱۳۵۶، **کامل الزیارات**، دار المرتضویه - نجف اشرف، چاپ: اول.
۱۰. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، ۱۴۱۹ق، **المزار الكبير**، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - قم، چاپ: اول.
۱۱. تقفی، ابراهیم بن محمد، ۱۳۹۵ق، **الغارات أو الإستنفار والغارات**، انجمن آثار ملی - تهران، چاپ: اول.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، **ادب فنای مقربان**، محقق: محمد صفایی، چاپ: سوم.
۱۳. _____، **پیامبر رحمت**، محقق: محمد کاظم بادپا - قم، چاپ: دوم.
۱۴. _____، ۱۳۸۸، **فلسفه زیارت**، انتشارات اسراء - قم.
۱۵. _____، ۱۳۸۹، **تفسیر تسنیم**، محقق: احمد قدسی، چاپ: پنجم.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، **تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه**، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) - قم، چاپ: اول.
۱۷. حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۱ق، **رجال العلامة**، دار الذخائر - نجف اشرف، چاپ: دوم.
۱۸. خویی، سید ابوالقاسم، **معجم رجال الحديث**، بی تا.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴ش، **ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن**، مرتضوی - تهران، چاپ: دوم.
۲۰. زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۱۷ق، **الفائق فی غریب الحديث**، دارالکتب العلمیه - بیروت، چاپ: اول.
۲۱. سلیمانی آشتیانی، مهدی و درایتی، محمد حسین، ۱۳۸۷ش، **مجموعه رسائل در شرح احادیثی از الکافی**، دار الحديث - ایران: قم، چاپ: اول.
۲۲. طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴، **المیزان**، ترجمه محمد باقر موسوی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۳. طریحی، فخر الدین بن محمد، ۱۳۷۵ش، **مجمع البحرين**، مرتضوی - تهران، چاپ: سوم.
۲۴. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۰۷ق، **تهذیب الأحکام**، دار الکتب الإسلامیه - تهران، چاپ: چهارم.

- (۲۵) _____، رجال الطوسی، ۱۳۷۳ش، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسين بقم المقدسه، چاپ: سوم.
- (۲۶) _____، فهرست کتب الشيعه و اصولهم و أسماء المصنفين.
- (۲۷) عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ق، تفسير عیاشی، المطبعه العلمیه - تهران، چاپ: اول.
- (۲۸) فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۴۰۶ق، الوافی، کتابخانه امام أمير المؤمنين علی (علیه السلام) - اصفهان، چاپ: اول.
- (۲۹) قرشی بنابی، علی اکبر، ۱۴۱۲ق، قاموس قرآن، دار الکتب الاسلامیه - تهران، چاپ: ششم.
- (۳۰) قمی، عباس، ۱۳۸۵ش، مفاتیح الجنان، ترجمه: مهدی الهی قمشه‌ای، نسیم حیات، چاپ: اول.
- (۳۱) _____، ۱۳۹۰ش، _____، تحقیق: میر شفيعی خوانساری، سيد فضل الله، سازمان اوقاف و امور خیریه، چاپ اسوه.
- (۳۲) قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ق، تفسير قمی، دار الکتب - قم، چاپ: سوم.
- (۳۳) کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۴ش، الروضه من الکافی / ترجمه رسولی محلاتی، انتشارات علمیه اسلامیه - تهران، چاپ: اول.
- (۳۴) _____، ۱۴۰۷ق، الکافی، دار الکتب الإسلامیه - تهران، چاپ: چهارم.
- (۳۵) کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ق، تفسير فرات کوفی، مؤسسه طبع و نشر - تهران، چاپ: اول.
- (۳۶) مجلسی، محمد باقر، ۱۳۹۶ق، زندگانی حضرت سجاد و امام محمد باقر (علیه السلام) - تهران، چاپ: دوم.
- (۳۷) _____، ۱۴۰۳ق، بحار الأنوارالجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار، دار إحياء التراث العربی - بیروت، چاپ: دوم.
- (۳۸) _____، ۱۴۰۶ق، ملاذ الأخبار فی فهم تهذیب الأخبار، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - قم، چاپ: اول.
- (۳۹) مجلسی، محمدتقی، ۱۴۰۶ق، روضه المتقين فی شرح من لا یحضره الفقيه، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور - قم، چاپ: دوم.
- (۴۰) مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸ش، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - تهران، چاپ: اول.
- (۴۱) مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، الأمالی، کنگره شیخ مفید - قم، چاپ: اول.
- (۴۲) _____، ۱۴۱۳ق، المزار - مناسک المزار، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید - قم، چاپ: اول.
- (۴۳) نجاشی، احمد بن علی، ۱۳۶۵ش، رجال نجاشی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - قم، چاپ: ششم.